



Analysis of the issue of guardianship in Shiite thought (Imamiyya, Zaydiyya, Ismaili)

Tayebeh Qasemi*

Ph.D Student, University of Religions
and Denominations, Qom, Iran

Seyed Mohammad Hoseini

Assistant Professor of Islamic
History, University of Religions and
Religions, Qom, Iran

Abstract


The issue of guardianship has a especial place in the doctrinal thought of Shiite scholars. Shiite scholars consider the existence of a guardian after the Prophet to be necessary to guide men from misguidance to happiness. The present paper uses a descriptive-analytic method with the aim of examining the issue of guardianship from the perspective of Shiite scholars and with emphasis on the three religions, Imamiyya, Zaydiyya, and Ismaili, examines and examines the views of Shiite scholars. And it answers the question, what is the view of Shiite scholars on the issue of guardianship? After examining the views, it was found that all three religions (Imamiyya, Zaydiyya, Ismaili) with emphasis on verses and hadiths believe that the Prophet (PBUH) had appointed a successor before his death, with the difference that from the perspective of Imamiyya, the position of the guardian starts from Imam Ali (AS) and ends with Hazrat Mahdi (AS), while the Ismailis and Zaydis consider the will to be specific to Imam Ali (AS).


Keywords: Guardianship, Shiite, Imamiyya, Zaydiyya, Ismaili.

* Corresponding Author: setarehe60@gmail.com

How to Cite: Qasemi, T., Hoseini, S. M. (2020). Analysis of the issue of guardianship in Shiite thought (Imamiyya, Zaydiyya, Ismaili). *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 2 (3). 169-193.

واکاوی مسئله وصایت در اندیشه شیعیان (امامیه، زیدیه، اسماعیلیه)

طیبه قاسمی*  دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

سید محمد حسینی  استادیار رشته تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

مسئله وصایت در اندیشه اعتقادی دانشمندان شیعی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عالمان شیعی وجود وصی بعد از نبی را جهت هدایت انسان از گمراهی به سوی سعادت لازم می‌دانند. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با هدف بررسی مسئله وصایت از دیدگاه عالمان شیعی و با تأکید بر سه مذهب، امامیه، زیدیه و اسماعیلیه، دیدگاه عالمان شیعه را مورد واکاوی و مذاقه قرار می‌دهد. و به این پرسش پاسخ می‌دهد دیدگاه عالمان شیعه در مسئله وصایت چیست؟ پس از بررسی دیدگاه‌ها مشخص شد هر سه مذهب با تأکید بر آیات و روایات اعتقاد دارند که پیامبر(ص) قبل از رحلت جانشین خود را تعیین نموده است، با این تفاوت که از دیدگاه امامیه، مقام وصی از حضرت علی(ع) شروع و به حضرت مهدی(عج) ختم می‌شود، در حالی که اسماعیلیه و زیدیه وصایت را مختص حضرت علی(ع) می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: وصی، شیعه، امامیه، زیدیه، اسماعیلیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

در ادیان الهی، مسئله وصایت جایگاهی بلند دارد و ارزش آن در پیوندش با امر نبوت است، زیرا جانشینی نبی، ضرورتی برخاسته از مقتضای جامعه بشری، و از طرفی هدف تکاملی خلق و امری کاملاً معقول و منطقی محسوب می‌شود؛ زیرا طبق جهان‌بینی الهی، انسان و جهان دارای هدفی است و جهان در مسیر خود، راه صحیحی را طی می‌کند، به همین جهت برای انسان که جزئی از این جهان است، باید مسیر صحیح و دور از هرگونه خطا و لرزش به صورت مستمر وجود داشته باشد، و از آنجایی که وجود پیامبر در هر زمان جاودانه نیست و از طرفی مردم بعد از پیامبر هم‌چنان نیازمند هدایتند و در نیاز به راهنما، فرقی میان ادوار تاریخی نیست، بنابراین نیاز به وصی پیش می‌آید.

۲. پیشینه پژوهش

در اسلام نیز هر چند این موضوع از اهمیت اساسی برخوردار است، ولی وصایت و جانشینی به دلیل برداشت‌های متفاوت از آن زمینه‌های اختلاف در میان مسلمانان را پدید آورد در حالی که بر اساس گزارش منابع کهن تاریخی شیعه، وصایت علی (ع) و یازده فرزند او بارها مورد تأکید پیامبر (ص) و برهمگان روشن بوده است و آن حضرت در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف او را به همین عنوان معرفی نمودند، به همین جهت تاکنون در مورد اثبات وصایت علی (علیه السلام) کتب و مقالات زیادی نگاشته شده است در برخی از کتب مستقلاً به جمع آوری نصوص ناظر به امامت، ولایت و وصایت حضرت علی (علیه السلام) پرداخته است و در برخی از کتب پس از بیان مباحث امامت، وصایت امام علی (علیه السلام) را مطرح می‌کنند. با این وجود، اکثر پژوهش‌های مذکور، دیدگاه شیعه امامیه یا اثنی‌عشری را درباره وصایت بررسی نموده و دیدگاه زیدیه و اسماعیلیه که وصی نزد آنان نیز از جایگاه مهمی برخوردار است، آن‌چنان که باید بررسی نشده است، کاری که پژوهش حاضر عهده دار آن می‌باشد.

۳. واژه‌شناسی

۳-۱. وصی

وصایت از ریشه «وصی» است، بزرگان لغت، برای وصی چندین معنا در نظر گرفته‌اند که عبارتند از:

الف. متصل کردن و پیوند زدن. (فراهیدی: ۱۴۰۹، ۷: ۱۷۷).

ب. عهد و پیمان. (ابن درید: ۱۹۸۸، ۳: ۱۲۵۹؛ راغب اصفهانی: ۱۴۱۲: ۸۷۳).

ج. پند و اندرز دادن و سفارش کردن. (تهانوی: ۱۹۹۶، ۲: ۱۷۹۴).

د. کامل کردن عمل و به درستی کاری را انجام دادن و اجرای کامل عمل و دستور. (ازهری: ۱۴۲۱، ۱: ۱۸۷).

در اصطلاح فقه؛ وصی کسی است که موافق وصیت و سفارش کسی پس از مرگ وی در امور و اموال وی دخالت و تصرف کند. وصیت در بین فقهای شیعه امامیه با توجه به مصدر یا اسم مصدر بودن وصی سه معنا از آن را در نظر گرفته‌اند.

الف. با توجه به مصدر آن از "وصی یصی" به معنای وصل کردن می‌باشد زیرا وصیت کننده تصرفات بعد از مرگ خود را به تصرفات زمان حیات خود متصل می‌کند (ر.ک؛ حلی: ۱۴۱۴، ۳: ۴۵۲).

ب. به معنای سفارش کردن از "وصی یوصی" است و با توجه به اسم مصدری آن می‌باشد (ر.ک؛ نجفی: ۱۳۹۷، ۲۸: ۲۴۱).

ج. از "اوصی یوصی" به معنای تملیک عین یا منفعت آن می‌باشد (ر.ک؛ محقق حلی: ۱۴۰۸، ۲: ۱۸۲).

محمدبن جمال‌الدین مکی عاملی معروف به شهید اول متوفای ۷۸۶ هـ ق در لمعه می‌فرمایند: وصیت از وصی یصی یا از اوصی یوصی یا از وصی یوصی گرفته شده است واصل آنها وصل شدن می‌باشد و این تصرفات را وصیت نامیده‌اند بخاطر وصل شدن تصرفات به زندگی بعد از مرگ یا به خاطر وصل بین دو چیز. از نظر شرعی، تملیک عین یا منفعت یا تسلط بر تصرفات بعد از مرگ است (ر.ک؛ مکی عاملی: ۱۴۱۱، ۵: ۱۱). وصی از جهت کاربردی در کلام معانی متفاوتی با فقه برای آن بیان شده است، در معنای فقهی وصیت در امور مالی مورد نظر می‌باشد و برای آن در کتب فقهی شیعه شرایطی را قرار داده‌اند و در معنای کلامی بحث از تعیین جانشین توسط پیامبر (ص) می‌باشد. متکلمان اثنا عشریه با استناد

به آیات قرآن و ادله عقلی و نقلی خود اثبات می‌کنند که در تمام ادیان الهی امر به تعیین وصی بوده است و در قرآن هم بر آن تأکید است وصی ادامه دهنده نبوت رسالت نبوت است. پیامبر اکرم نیز جانشین و وصی خود را به جامعه عرب آن زمان معرفی کردند و در این باره علماء اثنی عشریه دیدگاه‌های یکسانی دارند و تعیین وصی توسط نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط هیچ یک از علمای شیعه امامیه رد نشده است و جانشینی پیامبر (ص) را مختص علی (علیه السلام) و فرزندان او می‌دانند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۳۱: ۴۰). که خود حضرت (علیه السلام) بر این مطلب بارها تأکید کرده‌اند که من وصی خدا بعد از پیامبر (ص) هستم (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۱) و کسی این مطلب را منکر شود منکر خدا و رسولش است.

۲-۳. شیعه

شیعه در لغت به معانی گوناگونی آمده است که یکی از معانی لغوی شیعه اجتماع و اتفاق بر یک امر است. هم‌چنین به هر قومی که امر و هدف آنها یکی باشد و بعضی از آنها بعض دیگر را تبعیت و پیروی کنند شیعه می‌گویند. (ابن منظور: ۱۴۲۶، ۸: ۱۸).

در اصطلاح شیعه به افرادی گفته می‌شود که از علی (ع) پیروی کرده، به امامت و خلافت او از طریق نص معتقد شده‌اند چه نص جلی باشد یا خفی (ر.ک؛ شهرستانی: ۱۳۸۷، ۱: ۳۷۰). و به سه گروه امامیه، زیدیه و اسماعیله تقسیم می‌شود.

الف. امامیه: یک اصطلاح خاص (اثنی عشریه) و یک اصطلاح عام دارد. در تعریف اصطلاح عام گفته می‌شود امامیه، نام عموم فرقه‌هایی است (ر.ک؛ مشکور: ۱۳۷۵: ۶۷). که به امامت بلافصل حضرت علی (ع) (ر.ک؛ اشعری قمی: ۱۳۶۰: ۳۹) و فرزندان او معتقدند (ر.ک؛ مفید: ۱۳۸۸: ۳۸). در معنای خاص که همان اثنی عشریه است فرقه‌ای که به شهادت امام کاظم (ع) قطع پیدا کرده و به امامان بعد از او تا حضرت مهدی (ع) اعتقاد دارند (ر.ک؛ شهرستانی: ۱۳۸۷، ۱: ۳۷۶).

ب. زیدیه: زیدیه به فرقه‌ای از مذهب شیعه گفته می‌شود که پیروان آن معتقد به امامت زید بن علی بن حسین (ع) هستند (ر.ک؛ بغدادی: ۱۴۰۸: ۲۵). نوبختی در تعریف زیدیه چنین می‌گوید: گروهی پس از درگذشت حسین (ع) گفتند امامت فقط در فرزندان حسن و حسین (ع) می‌باشد. سایر فرزندان علی (ع) را شامل نمی‌شود، همه در امر امامت مساویند، هر کس از ایشان قیام و دعوت به خود نماید، امام و اطاعت از او واجب است (ر.ک؛ نوبختی: ۱۳۸۸: ۵۱).

ج. اسماعیلیه: فرقه‌ای از شیعه که معتقدند مقام امامت پس از امام صادق (ع) بزرگ‌ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند او محمد با به امامت پذیرفتند (ر.ک؛ شهرستانی: ۱۳۸۷، ۱: ۲۲۶).

۴. وصی از دیدگاه امامیه

بررسی دیدگاه امامیه نشان از آن دارد که عالمان و متکلمان این مذهب واضح و بدون ابهام، نظر خود را بیان داشته‌اند. آنان با استناد به آیات قرآن و روایات نبوی، وصی و جانشین نبی اکرم (ص) را منحصر در علی (ع) و فرزندان معصوم وی می‌دانند و همگی آنان را اوصیای پیامبر می‌دانند و پیامبر (ص) این امامان را به عنوان جانشین خود به مسلمانان معرفی نموده است، به همین جهت بر جانشینان پیامبر (ص)، هم عنوان امام اطلاق می‌شود و هم وصی و این گونه نیست که در صدق این عنوان بر ائمه (ع)، بین آنها اختلافی وجود داشته باشد. ائمه نیز در طول دوران حیاتشان بر با توجه به آیات و روایات بر وصی بودن خود تأکید داشتند که در ذیل به بررسی اقدامات آنان برای رسیدن به این هدف اشاره خواهیم نمود.

۴-۱. اندیشه وصی در عصر حضرت علی (ع)

طبق نصوص مسلم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکان و زمان‌های مختلف شان و مقام و منزلت بی مانند حضرت علی (علیه السلام) را به گوش مرد رساندند و حضرت را ولی وصی و خلیفه و امام امت معرفی کرد از نظر حضرت علی (علیه السلام) و یاران و هواداران امام (علیه السلام) انتخاب فرد دیگری در مقام خلافت انحراف از حق بود و حضرت علی (علیه السلام) و یارانش در مقابله با این انتخاب نادرست اقداماتی انجام دادند از جمله:

۴-۱-۱. اقدامات تحکیم اندیشه وصی پیش از خلافت

۴-۱-۱-۱. واکنش علی (ع) به تصمیم سقیفه

در ماجرای سقیفه و انتخاب ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر (ص) علاوه بر واکنش مهاجرین، حضرت تاملتی از بیعت خود داری کرد ولی سرانجام با شروع جنگ رده (ر.ک؛ ثقفی: ۱۳۷۰، ۱: ۳۰۶). و ضرورت همبستگی میان مسلمانان به نقلی شش ماه بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت کرد و همواره بر اصل شایستگی خود برای امامت تأکید داشتند (ر.ک؛ یعقوبی: بی تا، ۲: ۱۲۶).

۴-۱-۱-۲. همراهی حضرت فاطمه (س)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) شب هنگام با علی و دو فرزند خویش به درب خانه مهاجر و انصار می‌رفتند و علی (علیه السلام) حق خویش را بیان می‌کرد و از آنان یاری می‌خواست و این کار تا چهاربار تکرار شد.

فقط چهل و چهار نفر دعوت حضرت را قبول کردند اما همین افراد وقتی دعوت به علنی کردن یاری خود و بیعت با علی (علیه السلام) شدند فقط چهار نفر باقی ماندند و بعد از آن حضرت خانه‌نشینی را برگزیدند و مشغول جمع آوری قرآن شدند (ر.ک؛ هلالی: ۱۴۰۵، ۲: ۵۸۱). اگر حق حضرت علی (علیه السلام) در وصایت رعایت شده بود چه لزومی داشت حضرت فضایل خود را گوشزد کنند و با خلیفه تعیین شده بیعت نکنند. هم‌چنین باید به شهادت آن حضرت اشاره نمود، که خلیفه جهت بیعت گرفتن اجباری و به خانه حضرت علی (علیه السلام) رفتند و خانه را با آتش کشید و حضرت زهرا (سلام الله علیها) را مجروح کردند که حضرت از اثر شدت جراحات به شهادت رسیدند (همان).

۴-۱-۱-۳. واکنش یاران علی (ع) به ماجرای سقیفه

بعد از رحلت پیامبر (ص) و ماجرای سقیفه، این امر باعث تعجب بسیار یاران علی (علیه السلام) شد و به دفاع از حق وصی پیامبر برآمدند یاران واقعی امیرالمومنین نمی‌توانستند باور کنند که چگونه با این سرعت تمام سخنان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فراموش شد، از جمله یاران امام که به این موضوع اعتراض کردند می‌توان به براء بن عازب، عباس عموی پیامبر (ص)، ابوذر، سلمان، مالک اشتر... اشاره نمود (ر.ک؛ یعقوبی: بی‌تا، ۲: ۱۷۸).

۴-۱-۲. اقدامات امام علی (ع) در دوران حکمرانی

حضرت علی (ع) بعد از کشته شدن عثمان و به عهده گرفتن حکومت نیز، اقداماتی برای یادآوری امر وصایت انجام دادند که در ذیل به نمونه‌های از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۴-۱-۲-۱. نامه امام به معاویه

در طول خلافت امام، نامه‌های از طرف امام برای معاویه فرستاده شد که در این نامه‌ها حضرت به بیان احقیقت خود برای خلافت پرداخت و خود را وصی پیامبر (ص) معرفی نمود. از جمله در در یکی از نامه‌ها امیرالمومنین خطاب به معاویه می‌فرماید: هر پیامبری در میان

خاندانش وصی داشته است مگر نمی‌دانی که ابراهیم به فرزندش یعقوب وصیت کرده و یعقوب نیز در هنگام مرگ به فرزندش وصیت کرده و محمد به آل خود وصیت کرد این وصیت سنت پیامبران است و ابراهیم این سنت را گذاشت و رسول خدا به این سنت عمل کردند و همان گونه که خدا امر کرده بود وصیت کردند و تو (معاویه) در میان آنها جایی نداری و میراث او به ما می‌رسد (ر.ک؛ ثقفی: ۱۳۷۰: ۱۹۰).

۴-۱-۲-۲. نامه‌های یاران علی (ع)

از جمله نامه‌های حضرت علی (ع) که به وصایت امام تأکید نموده‌اند می‌توان به نامه جریر به شرحبیل، محمد بن ابی بکر به معاویه... اشاره کرد. چنانچه محمد بن ابوبکر در نامه خود به معاویه چنین می‌گوید: «وای بر تو! چگونه خود را با علی مقایسه می‌کنی در حالی که او وارث پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و وصی او و پدر فرزندان وی و نخستین انسانی است که سر به فرمان او نهاده و تا واپسین دم زندگی او بر پیمان خویش ایستاده، پیامبر رازش را به او سپرده و وی را در کار خود شریک کرده است. در صورتی که تو دشمن وی و پسر دشمن او هستی (ر.ک؛ مسعودی: ۱۴۲۶، ۳: ۱۱).

۴-۱-۲-۳. مناشدات علی (ع)

مناشدات حضرت علی (ع) در کتاب سلیم بن قیس هلالی به این صورت گزارش شده است: در زمان عثمان و جنگ صفین، حضرت بر فراز منبر رفت و فرمود مناقب من بیشتر از آن است که در کتب آمده، سپس امام به فضائلی که پیامبر و مالک اشتر در وصف وی آورده است اکتفا نموده است از جمله این فضائل: علی افضل اوصیاء - ولایت و وصایت علی و فرزندانش در روز غدیر - تفسیر صادقین به علی (ع) و اوصیاء پیامبر (ص) - غزوه تبوک - حدیث ثقلین (ر.ک؛ هلالی: ۱۴۰۵، ۲: ۶۳۶ - ۶۶۰).

۴-۲. اندیشه وصایت از دوره امام حسن (ع) تا آغاز غیبت

۴-۲-۱. وصایت در عصر امام حسن (ع)

در روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده «الحسن والحسین امامان قاما او قعدا» (مفید: ۱۴۱۳: ۲۲۰). و این حدیث دلیل روشنی بر منصوص بودن امامت این دو برادر می‌باشد امام علی (ع) امام حسن (ع) را وصی خود معرفی نموده است (ر.ک؛ مسعودی: ۱۴۲۶: ۵۷). پس از

شهادت امام علی (ع) تعدادی از مهاجرین و انصار با امام بیعت کردند (ر.ک؛ یعقوبی: بی تا، ۲: ۲۱۴). و عبدالله بن عباس مردم را به سوی امام حسن (علیه السلام) فراخواند و گفت او فرزند پیامبر شما وصی امام شماس است با او بیعت کنید (ر.ک؛ مفید: ۱۴۱۳، ۲: ۸). امام حسن (علیه السلام) بلافاصله بعد از خلافت سخترانی کرد.

حضرت در خطبه ای می فرماید ما اهل بیت یک از دو ثقلین هستیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان شما باقی گذاشته است (ر.ک؛ مسعودی: ۱۳۵۸، ۲: ۴۳۲). امام حسن (علیه السلام) خلافت را حق خود می دانست و در نامه ای به معاویه انتخاب خلفای پیشین را مورد نقد قرار داده است و نتیجه این انتخاب را ظلم در حق خود می دانند (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۹۶۵: ۶۵).

امام (علیه السلام) معاویه را فاقد صلاحیت برای حکومت می دیدند و در یکی از نامه های خود به معاویه نوشت وقتی پدرم در آستانه مرگ قرار گرفت این امر را بعد از خود به من سپرده است. (همان). که منظور حضرت خلافت و وصایت بود. امام پس از صلح با معاویه مدتی را در مدینه بودند و مرتب با شیعیان کوفه دیدار داشتند و آن حضرت را به عنوان جانشین بر حق علی (علیه السلام) می دانستند (ر.ک؛ مفید: ۱۴۱۳، ۲: ۲۸).

معاویه که از وجود امام ترس داشت، برای کم رنگ کردن نام و فضایل اهل بیت سعی کرد احادیث جعلی را در مورد فضایل عمرو ابوبکر بین مردم پخش (ر.ک؛ مسعودی: ۱۳۵۸، ۲: ۷۸۷) و روزبه روز دشمنان در اطراف شیعیان زیادتر می شدند تا جایی که فکر می کردند احادیث جعلی درست است (ر.ک؛ بلاذری: ۱۳۹۸، ۳: ۵۹). ابن عباس بعد از شهادت امام حسن (علیه السلام) خطاب به معاویه گفت: اگر امروز به مصیبت فقدان حسن (علیه السلام) دچار شده ایم قبل از این به فقدان سید رسولان و فقدان سید اوصیاء دچار شده ایم (ر.ک؛ مروج الذهب، مسعودی: ۱۳۵۸، ۲: ۴۳۰).

۴-۲-۲. وصایت در عصر امام حسین (ع)

بعد از معاویه و جانشینی یزید، و تلاش برای بیعت از امام، آن حضرت به حج رفتند و سپس بعد از حمد و ثنای خداوند به جنایات معاویه اشاره کردند و کردند و فضایل پدر خود را بر شمردند تمام فضیلت ها نشان از آن داشت که اینان وصی نبی اکرم (ص) می باشند و خلافتی که از آنان گرفته شده حق آنان است. امام حسین (علیه السلام) به حدیث مواخات، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث مباحله و حدیث ثقلین اشاره کردند و همگی سخنان حضرت

را تأیید کردند (ر.ک؛ هلالی: ۱۴۰۵، ۲: ۷۷۸ به بعد). امام حسین (علیه السلام) به اهل بصره نامه‌ای نوشته‌اند می‌گویند: ما اهل بیت، اوصیاء، وارث و اولیای او هستیم (ر.ک؛ ابی مخنف: ۱۴۳۳: ۱۲۴) حضرت (علیه السلام) در روز عاشورا در یکی از خطبه‌های که خطاب به سپاه یزید بود فرمودند: نسب مرا ببینید نسب چه کسی است. آیا من پسر دختر نبی شما و فرزند وصی و پسر عموی او نیستم؟ همان پسر عمویی که به خدا و رسولش ایمان آورد و..... (همان، ۲۳۷).

۴-۲-۳. وصی در عصر امام سجاد (ع)

دلایلی وجود دارد که حاکی از جانشینی امام سجاد بعد از امام حسین (ع) دارد. از جمله بعد از شهادت امام حسین (ع) امام سجاد (علیه السلام) جانشین و وصی پدرش امام حسین (ع) قرار گرفت که این نصوص در کتاب اصول کافی به نقل از ابو الجارود وارد شده است (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۴۳).

هم چنین امام حسین (علیه السلام) قبل از ترک عراق وصیت‌نامه و نامه‌های خود را به ام‌السلمه می‌دهد و به او اختیار می‌دهد در صورتی که بزرگ‌ترین فرزند پسرش تقدیم کند و امام زین‌العابدین تنها پسری بود که بازگشت و وصیت‌نامه پدرش به او داده شود از این رو جانشین و وصی او گردید (ر.ک؛ مسعودی: ۱۳۵۸، ۳: ۲۲۵). پس از واقعه عاشورا امام سجاد (علیه السلام) برای احقاق حق خود به اینکه او وارث خاندان پیامبر (ص) است تلاش نمودند و حضرت (علیه السلام) موفق شوند گروهی از افراد را به راه حق برگردانند.

۴-۲-۴. وصی در عصر امام باقر (ع)

امام سجاد (علیه السلام) قبل از شهادت خود امام محمد باقر (علیه السلام) را که بزرگ‌ترین پسر حضرت (ع) بودند رابه عنوان وصی و جانشین خود معرفی کرد (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۴۷).

امام باقر (علیه السلام) با توجه اندیشه امامت فرزندش محمد نفس زکیه و دیگری برادرش زید بن علی (علیه السلام) که کشمکش برای رهبری بین امام باقر (ع) و زید بن علی (علیه السلام) بعد از رحلت امام سجاد (علیه السلام) شروع شد سعی داشتند که ماهیت امامت، شرایط و وظایف امام، امتیازات امام و ارزش‌هایی که جانشین رسول خدا (ص) که همان

اوصیاء او هستند و از طریق امام قبلی دریافت می‌کنند شرح دهند، چنانچه از پیامبر (ص) نقل کردند: «پیغمبری در نگذشت جز اینکه وصی داشت... و پنج تن از پیامبران اولوالعزم بودند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و به راستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) هبه الله محمد بود و علم همه اوصیاء و علم هر که پیش از او بود به ارث برد» (همان: ۱۹۷/۲).

امام (علیه السلام) در برابر برادر ناتنی خود زید به اصل انتصاب در جانشینی پیامبر (ص) از طریق نص صریح متوسل شدند و در حضور برادرش اعلام داشت که امام زین-العابدین (علیه السلام) در حضور برادرش او را به جانشینی خود و امام شیعیان برگزیده است (ر.ک؛ همان، ۱: ۳۳۴). امام (علیه السلام) امامت زید بن علی (علیه السلام) را انکار کردند و با انکار امامت او تأیید ضمنی بر موقعیت خود به عنوان وصی می‌باشد. امام (علیه السلام) موفق شدند در طول مدت زمان کوتاهی افرادی که به سوی زید بن علی (علیه السلام) رفته بود را برگرداند و پیروان جدیدی را به خود جلب کند مانند زراره (ر.ک؛ شیخ طوسی: بی تا: ۱۳۳). حمزخ بن الطیار که مدتی با امام باقر (علیه السلام) مخالف بود ولی سرانجام رهبری او را پذیرفت (ر.ک؛ همان: ۳۳۴). تلاش‌های امام باقر ع بیشتر به استقرار امامت معطوف می‌شد تا وصایت خود را تأیید کنند.

۴-۲-۵. وصی در عصر امام صادق (ع)

پس از رحلت امام باقر (علیه السلام) وصایت او به امام صادق (علیه السلام) رسید (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۴۹). در دوران امام صادق (علیه السلام) امویان سقوط کردند و حکومت دست بنی عباس افتاد و حضرت توانست مدت زمان بیشتری را به راهنمایی مردم پردازد و به نظریه‌های خود در مورد امامت و وظایف امام را بیان کند (ر.ک؛ یعقوبی: بی تا، ۲: ۱۱۷). عمرو بن مصعب گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: به نظر شما آن که از ماه وصیت به امامت می‌کند به هر که خواهد می‌تواند وصیت کند؟ نه به خدا، امامت عهدی است از طرف رسول خدا (ص). (همان، ۴۱۲).

همچنین امام صادق (علیه السلام) در شرح آیه «ألم نشرح» «چون فارغ شدی نصب کن و به سوی پروردگارت روی کن» می‌فرماید: چون فراغت یافتی رهبر خود را منصوب کن و وصی خود را به مردم اعلام کن و فضل او را بی‌پرده و آشکارا بیان کن، آن حضرت فرمود:

هر که را من آقا و مولا هستم علی آقا و مولا است، بار خدایا دوستش را دوست دار و دشمنش را دشمن دار- تا سه بار (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۴۲۰).

باز فرمود: علی (علیه السلام) سید مؤمنان است، و فرمود: این علی (علیه السلام) همان کس است که بعد از من در راه حق شمشیر می زند، و فرمود: حق با علی است. سپس فرمود: من در میان شما دو چیز به جا می گذارم، که اگر بدانها بگروید هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا عز و جل و خاندانم، عترتم. (یعقوبی: بی تا، ۲: ۴۲).

۴-۲-۶. وصی در عصر امام کاظم

شدت اختناق منصور درباره علویان به ویژه امام صادق (علیه السلام) باعث شد بنابر دلایل سیاسی امام بعد از امام صادق (علیه السلام) برای برخی از شیعیان ناشناخته بماند، زیرا اگر به صورت صریح امامت و وصایت حضرت روشن می شد از طرف خلفاء امام تحت فشار قرار می گرفتند امام صادق (علیه السلام) برای اینکه وصی واقعی حضرت مشخص نشود افزون بر امام کاظم (علیه السلام) و عبدالله، منصور عباسی را نیز وصی خود قرار داد (ر.ک؛ راوندی: ۱۴۰۹: ۲۹۳). امام (علیه السلام) به برخی از خواص خود جانشینی امام کاظم (علیه السلام) را بیان کردند طبق روایتی از مفضل بن عمر امام صادق (علیه السلام) موسی بن جعفر (ع) را در حالی که نوجوان بودند وصی خود معرفی کردند و فرمودند به هر کس که مورد اطمینان تو است این مطلب را در میان بگذار (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۵۲).

اسحاق بن جعفر و صفوان جمال و عیسی بن عبدالله و سلیمان بن خالد از امام صادق (علیه السلام) در مورد امام بعد از او می پرسند تا وصی امام را بشناسند و حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را معرفی می کنند (همان).

در دوران امام کاظم (علیه السلام) سعی عباسیان بر آن بود حسنین و فرزندان آنها را نه به عنوان فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بلکه به عنوان فرزندان امام علی (علیه السلام) معرفی کنند تا از اهمیت اوصیاء پیامبر (ص) به عنوان ابناء رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بکاهند و جانشینی ناحق خود را حق جلوه دهند و امام کاظم (علیه السلام) و یارانشان با وجود فشارهای عباسی به توضیح این مساله می پرداختند (ر.ک؛ اربلی: ۱۳۸۱، ۲: ۱۷۶). و همین امر باعث زندانی شدن حضرت شد (ر.ک؛ ابوالفرج اصفهانی: ۱۹۶۵: ۳۰۳).

۴-۲-۷. وصی در عصر امام رضا(ع)

با اینکه در دروه امام کاظم(علیه السلام) مسئله امامت و وصایت بسیار پیچیده شد اما بسیاری از اصحاب امام کاظم(علیه السلام) جانشینی امام رضا(علیه السلام) را پذیرفتند و شیخ مفید نام دوازده تن از آنها را بیان می کند که نشان از تعیین وصایت امام رضا(علیه السلام) توسط امام کاظم(علیه السلام) دارد(ر.ک؛ مفید: ۱۴۱۳: ۳۰۴).

حسین بن نعیم از امام کاظم(علیه السلام) نقل می کند که امر امامت بعد از امام کاظم(علیه السلام) برای علی بن موسی(علیه السلام) است و روایات بسیاری که داود رقی، محمد بن اسحاق بن عمار، زیاد بن مروان قندی، مخزومی، حسین بن مختار، علی بن یقظین، داود بن سلیمان و داود بن زریب و یزید بن سلیط در اصول کافی از امام کاظم(علیه السلام) نقل شده است به وصایت امام رضا(علیه السلام) بعد از امام کاظم(علیه السلام) تصریح می کنند(ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۵۸: ۸۲).

مهم ترین اتفاق دوران امام رضا(علیه السلام) جریان ولایتعهدی آن حضرت است که مامون می خواست با پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا(علیه السلام) به خلافت خود مشروعیت دهد و ادعای بر حق علی بن موسی الرضا(علیه السلام) را مبنی بر شایستگی بر جانشینی و خلافت را باطل شمارد(ر.ک؛ صدوق: ۱۳۸۴، ۲: ۱۶۷).

در نخستین جلسه ای که برای معرفی امام به عنوان ولیعهد بر پاشد امام(علیه السلام) به مامون فرمودند اگر خلافت مال توست و خدا آن را برای تو قرار داده است در این صورت جایز نیست لباسی را که خداوند به تو پوشانده از خود خلع کنی و در اختیار دیگران قرار دهی و اگر مال تو نیست در این صورت جایز نیست آنچه را که مال تو نیست به دیگران ببخشی و زمانی که از حضرت پرسیدند چرا ولایتعهدی را پذیرفتی فرمود به همان دلیلی که جدم داخل شوری شد (همان).

درباره امامت در زمان امام رضا(علیه السلام) روایات بسیاری وارد شده است که بحثها به صورت عقلی می باشند و این حجم از معارف مربوط به امامت تا قبل از آن وجود نداشته است(ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۱: ۱۹۸). و تقیه ای در اظهار امر امامت وجود نداشته است(ر.ک؛ صدوق: ۱۳۸۴، ۲: ۲۱۳).

۴-۲-۸. اندیشه وصایت در عصر امام جواد (ع) تا امام حسن عسگری

بعد از شهادت امام رضا(ع) شیعیان آن حضرت به علت اینکه تنها فرزند امام رضا(علیه السلام) هشت سال بیشتر نداشت در نگرانی افتادند. از نصوصی که از امام رضا(علیه السلام) درباره جانشینی خود باقی مانده است دلالت بر این دارد که امام رضا(علیه السلام) فرزند خردسال خود را در به جانشینی خود انتخاب کرده است راویانی چون یحیی بن حبیب، محمد بن یحیی، محمد بن عیسی، حسین بن بشار و... و حضرت(علیه السلام) در موارد متعدد و مناسبت‌های گوناگون به این مسئله اشاره کرده است (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۸۲). با اینکه بیشتر شیعیان وصایت امام جواد(علیه السلام) را به عنوان جانشین بعد از امام رضا(علیه السلام) قبول کردند اما عده‌ای هم بودند که مسئله کمی سن امام(علیه السلام) را به خود امام جواد(علیه السلام) بیان می‌کردند و امام جواد(علیه السلام) در جواب، اشاره به جانشینی سلیمان از داوود کرد و فرمود سلیمان در حالی که کودک بود حضرت داود او را جانشین خود کرد، در حالی که علمای بنی اسرائیل این عمل او را انکار می‌کردند (ر.ک؛ همان، ج ۱: ۳۸۳).

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ از امام جواد(علیه السلام) نقل می‌کند که خداوند محمد را برای جن و انس ارسال کرد و بعد از پیامبرص دوازده وصی را قرار داد که تعدادی از آنان در قبل بودند و تعدادی هنوز مانده‌اند (همان: ۵۳۲).

بعد از شهادت امام جواد(علیه السلام) فرزندش امام هادی(علیه السلام) به جانشینی او رسیدند چون شیعیان در دوره امام جواد(علیه السلام) مشکل بلوغ امام را پشت سر گذاشته بودند در زمینه امامت امام هادی(علیه السلام) که شش سال بیشتر نداشتند تردیدی به وجود نیامد (ر.ک؛ شیخ مفید: ۱۴۱۳: ۳۲). نصوصی که در باب جانشینی و وصایت امام هادی(علیه السلام) می‌باشد از طریق اسماعیل بن مهران، خیرانی و... آمده است که در تمام روایات به جانشینی امام هادی(علیه السلام) تصریح شده است (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۹۴).

بعد از امام هادی(علیه السلام) امام حسن عسگری(علیه السلام) وصی او معین شدند علی بن عمر نوفلی می‌گوید همراه امام هادی(علیه السلام) در حیات منزلش بودم که محمد فرزندش از کنار ما گذشت عرض کردم فدایت کردم بعد از شما این امام ما است. فرمود: نه امام بعد از من حسن است (ر.ک؛ همان: ۹۶).

علی بن مهزیار از امام(علیه السلام) درباره مراجعه به فردی بعد از خود می‌پرسد امام(علیه السلام) می‌فرمایند وصیت من به بزرگترین فرزندم است. (همان). امام حسن عسگری(علیه السلام)

السلام) به شدت تحت نظر حکومت بودند با این حال یاران ایشان به هر نحو با ایشان ملاقات می کردند.

۴-۲-۹. وصی در عصر امام زمان

پس از رحلت امام حسن عسگری (علیه السلام) مشکلات و سخت گیری های بسیار خلفای عباسی باعث شد تولد و نگهداری و حتی وصایت امام زمان (عج) به صورت کاملاً محرمانه انجام شود و حضرت به افراد قابل اطمینان وصایت فرزند خودش را بیان می کرد یا او را به آنها نشان می داد در برخی از روایات نشان از پرسش از امام بعد از امام حسن عسگری (علیه السلام) دارد اما در برخی از روایات از حضرت پرسیده اند آیا فرزندی دارد که بعد از امام به او مراجعه کنند.

محمد بن احمد علوی از ابی غانم خادم نقل می کند: برای ابا محمد فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید و وی را در سومین روز ولادتش به اصحاب خود عرضه کرد و فرمود: «پس از من، این صاحب شما و جانشین من بر شماست و او قادمی است که مردم در انتظارش می مانند و چون زمین از ستم پر شود، ظهور می کند و آن را از عدل و داد آکنده می کند» (صدوق: ۱۳۸۲، ۲: ۴۳۱).

محمد بن قاسم روایت می کند: حکیمه دختر محمد بن علی که عمه پدر او (مهدی) نیز هست، برای من نقل کرد که او را در شب تولد و پس از آن دیده است» (خویی، ۱۳۹۰، ۲۳: ۱۸۷).

عمرو اهوازی در روایتی می گوید امام حسن عسگری (علیه السلام) پرسش را به من نشان داد و فرمود این امام بعد از من است (ر.ک؛ کلینی: ۱۳۶۲، ۲: ۱۰۳).

۵. وصایت از دیدگاه زیدیه

زیدیه یکی از مذاهب شیعه است که بر خلاف امامیه که حضرت علی (علیه السلام) و یازده فرزند آن حضرت را وصی و امام می دانند یعنی وصایت و امامت را در دوازده وصی نبی اکرم (ص) یک اصل می دانند اما زیدیه وصایت را اصلی جدا از امامت به کار بردند و مقام وصایت را مختص علی (علیه السلام) برشمردند و پس از وصی مقام امامان شروع می شود و در نظر زیدیه از امام سجاد (علیه السلام) به بعد از مقام وصایت برخوردار نیستند. در منابعی

که از زیدیه باقی مانده است ابتدا نظر خود زید و سپس بزرگان زیدیه به صورت اجمالی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱. وصایت از دیدگاه زید بن علی

از آثاری که از زید باقی مانده است و یا به او نسبت می‌دهند به وصایت حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌کند و با توجه به ادله‌ای که به کار برده است نشان می‌دهد که منظور او از وصایت، خلافت و جانشینی علی (علیه السلام) و انجام امور و کارهای بعد از رحلت نبی اکرم توسط حضرت علی (علیه السلام) می‌باشد.

سؤالی که زید به دنبال جواب آن است نشان از نگاه عمیقش به مسئله وصایت دارد گویا راه حل را در این میبندد که برای خط بطلان کشیدن به شبهه بی‌اساسی که پیامبر (ص) را متهم به وصیت نکردن می‌کند به سراغ کتاب الهی رفته و آیاتی را به عنوان شاهد می‌آورد که مسلمانان را به وصیت کردن تشویق کرده است مانند آیه ۱۸۰ بقره و... این آیات نشان می‌دهد وصیت در قرآن هم سفارش شده است (ر.ک؛ زید بن علی: ۱۴۲۲: ۱۹۶).

هم‌چنین او با استناد به آیه ۶۸ سوره قصص «وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» بیان می‌کند در این آیه مشخص شده است که خداوند بهترین افراد را از بین خلق خود انتخاب می‌کند و این انتخاب مخصوص خداوند است و در قسمتی از فتاوی‌ای امام زید، واصل بن عطا از او در مورد تعیین امامت به اختیار یا تعیین و نص می‌پرسد و زید در پاسخ می‌گوید: امامت امانت الهی در نزد ائمه هدی است (ر.ک؛ همان: ۳۱۳). از طرفی وی درباره مشخص کردن خصوصیات و مصداق جانشین پیامبر (ص) هم به آیات قرآن مثل:

به راستی بهترین خلق بعد از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چه کسی است؟ زید معتقد است پاسخ این سوال در آیه سیزدهم سوره حجرات آمده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ...» در این آیه متقین را معرفی می‌کند و از بین متقین طبق آیه ۶۹ سوره نساء مجاهدون در راه خدا و از بین آنان سبقت گیرندگان در جهاد و از بین سابقین افرادی گزینش می‌شوند که جان خود را به خاطر رضای خدا به خطر می‌اندازند (حدید/۱۰). و اینان خاشع و عالم هستند (مزمّل/۲۰) و عالم رین مردم که همه را به سوی حق دعوت و راهنمای می‌کنند و حکومت از آن آنهاست (ر.ک؛ فاطر/۲۸). علاوه بر آیات به روایاتی نیز به عنوان شاهد بر خصوصیات و ویژگی‌های وصی پیامبر (ص) از جمله: حدیث الاثمه من قریش، حدیث منزلت، حدیث ثقلین... تأکید می‌کند.

به طور کلی وی اعتقاد دارد با رحلت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) امت او در مورد جانشین او دچار اختلاف شدند (ر.ک؛ زید بن علی: ۱۴۲۲: ۱۱۷). زید ادعا می کند با اینکه پیامبر اکرم (ص) و صحابه را درک نکرده ولیکن از اختلاف بین جانشین آن حضرت آگاه است و می داند کدام گروه اولی به راست گوی بوده است.

زید اعتقاد دارد گرچه هر دو گروه ادعای راستگویی و مدعی برحق بودن را دارند اما با ادله نقلی و عقلی دیدگاه افرادی را که حضرت علی (علیه السلام) را جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانند را می پذیرد:

زید بن علی (علیه السلام) صراحت بیان می کند که نه تنها حضرت علی (علیه السلام) در فضائل نسبت به سایرین مقدم است؛ بلکه او در امر خلافت و جانشینی و رهبری امت پس از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم از همه لایق تر و مقدم می باشد (ر.ک؛ زید بن علی: ۱۴۲۲: ۱۸۰-۳۵۲).

۵-۲. وصی از دیدگاه بزرگان زیدیه

در ذیل به صورت اجمالی به بزرگان زیدیه و دیدگاه آنان اشاره خواهیم نمود.

۵-۲-۱. امام ابو محمد قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل بن رسی (۱۶۹-۲۴۶)

وی در جواب خوارج ادعای آنان را مبنی بر وصیت نکردن پیامبر (ص) و عدم انتخاب خلیفه توسط او و طعنه زدن شیعه به عمر و ابوبکر را گمانی باطل می شمارد. به نظر او عده ای که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد انتخاب نکردن وصی توسط حضرت تهمت می زنند که جایگاه اینان در آتش جهنم است. او به ۲۷ روایت اشاره می کند که این احادیث را دلیل بر وصی بودن علی (علیه السلام) بعد از نبی اکرم (ص) می داند. از جمله این روایات می توان به موارد ذیل اشاره نمود: حدیث جابر انصاری، حدیث غدیر، حدیث صخره، حدیث استخلاف، حدیث ام ایمن، ناقه، منزلت... (ر.ک؛ رسی، ۱۴۲۳: ۱۴).

در کتاب «مجموع کتب و رسائل امام قاسم بن ابراهیم رسی» در جلد دوم کتاب تثبیت-الامامه می باشد که بعد از بحث از وجوب امامت و ضرورت آن، رسول اکرم (ص) را وصی از اوصیاء الهی می داند که وصی بودن آن با دلیل و از سوی خداوند است و همچنین آنچه در مورد علی (علیه السلام) که مشهور و معلوم است و بخاطر منزلت علی (علیه السلام) می-باشد (ر.ک؛ رسی: ۱۴۲۲: ۱۴۷).

ب: امام مرتضی محمد بن هادی یحیی بن حسین (۲۷۸-۳۱۰ق)

وی در مجموعه رسائلش به وصی داشتن هر نبی تاکید می کند و نزول آیه ۵۵ سوره مائده را در شأن حضرت علی (علیه السلام) می داند (ر.ک؛ الهادی: ۱۴۲۳: ۴۹۱).
در بخشی که به فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام) در کتاب «الاصول» اختصاص داده است او را برادر و بافضیلت ترین فرد بعد از پیامبر (ص) و عالم به آنچه پیامبر (ص) آورده بود می داند و حدیث غدیر و منزلت را در شان علی (علیه السلام) بیان می کند.

پ: امام ناصر لدین الله احمد بن امام هادی یحیی بن حسین (متوفی ۳۱۵ق)

فقط به انتخاب انبیاء توسط خداوند روی زمین اشاره می کند که هدف از این کار آمدن ائمه برای حکومت بین مردم براساس عدل است (امام مرتضی لدین الله: ۱۴۲۱: ۲۳۲).

ج: ابن عقده، ابوعباس احمد بن محمد بن سعید هدانی کوفی (۲۴۹-۳۳۲)

ابن عقده در کتاب «ولایت» به شوری شش نفره اشاره می کند و علی بن ابیطالب از همه خواست به حرف هایش گوش دهند و در صورت درست بودن کلام او همه تصدیق کنند.
علی بن ابی طالب (علیه السلام) حدیث منزلت را که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را وصی، خلیفه، وزیر، وارث او در امتش قرار داده است را یا دآوری می کند علی بن ابی طالب (علیه السلام) خود را وصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در اهل و مالش می داند (ر.ک؛ ابن عقده کوفی: ۱۴۲۱: ۱۶۵). ابن عقده در کتاب "فضائل امیرالمومنین" القاب و فضیلت های حضرت علی (علیه السلام) را بیان می کند لقب وصی بودن علی بن ابی طالب (علیه السلام) را جزو آن القاب برمی شمارد و همچنین روایاتی را نقل می کند که حضرت علی (علیه السلام) را وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی کرده است. از پیامبر (ص) حدیثی را نقل می کند که در روز قیامت حضرت علی (علیه السلام) را با لقب وصی رسول المسلمین و امیرالمومنین خطاب می کنند (ر.ک؛ ابن عقده: ۱۴۲۱: ۱۶).

د: ابو حسین احمد بن موسی طبری (۲۶۸-۳۴۰)

احمد بن موسی طبری در کتاب المنیر خود امامت را یکی از فرائض الهی و امام را معدن رسالت معرفی می کند. او به این مطلب اعتقاد دارد که خداوند قبل از مرگ نبی اکرم (ص) به او امر کرد که وصی و جانشین بعد از خود را از طریق وصیت به مردم معرفی کند همان

کسی که در جایگاه مقام رسول خدا (ص) قرار می‌گیرد و از همه شایسته‌تر است تا در این مقام قرار گیرد، حضرت (ص) هم وصی خود را علی (علیه السلام) قرار داد و با استدلال به آیه قرآن پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) و وصی او را از اولین ایمان آورندگان می‌داند که هر کسی از آنان تبعیت کند داخل در نور می‌شود. او به صراحت بیان می‌کند که نظر افرادی که می‌گویند پیامبر (ص) وصیت نکرده است را قبول ندارد (ر.ک؛ طبری: ۱۴۲۱: ۲۸).

ر: ابوعباس احمد بن ابراهیم بن حسن بن ابراهیم بن محمد حسنی (۳۵۳م) کتاب المصابیح احمد بن ابراهیم اشاره به این مطلب می‌کند که پیامبر (ص) به علی (علیه السلام) امر کرد که امانات و وصایای او را ادا کند و حضرت علی (علیه السلام) هم قبول کردند که ادای امانت پیامبر (ص) را انجام دهند (ر.ک؛ حسنی: ۱۴۲۲: ۲۲۷).

ز: امام مهدی لدین الله حسین بن قاسم بن علی عیانی (۳۸۴-۴۰۴ ق) مهدی لدین الله حضرت علی (علیه السلام) را حجت خدا بعد از نبی (ص) می‌داند زیرا اعتقاد دارد «ان الارض لاتخلو من الحججه» (مهدی لدین الله: ۱۴۲۱: ۱۴۸). کسی که بعد از نبی (ص) می‌تواند امور مسلمانان را اقامه کند غیر از علی بن ابی طالب نمی‌باشد و در مورد او گفته شده است «علی منی بمنزله هارون من موسی لانه لانی بعدی»

ح: امام موید بالله ابو حسین احمد بن حسین بن هارون دیلمی (۳۳۳-۴۱۱ ق) او در پاسخ به سوالی که، امام بعد از نبی اکرم (ص) چه کسی است؟ به صراحت بیان می‌کند: امام بعد از پیامبر (ص) علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و اطاعت از او واجب است زیرا پیامبر (ص) برای علی (علیه السلام) همان منزلتی را در نظر گرفته بود که موسی برای هارون قرار داده بود (ر.ک؛ موید بالله، التبصره فی التوحید والعدل: ۵۶).

خ: قاضی ابوقاسم اسماعیل بن احمد بن احمد بن محفوظ بستی جبلی (۴۲۰م) در کتاب "المراتب" قاضی ابوالقاسم بستی، امام علی (علیه السلام) را صاحب فضیلت‌های بیشماری می‌داند.

او در شمردن فضیلت‌های مخصوص علی (علیه السلام)، حدیث منزلت «انت منی بمنزله هارون من موسی» را می‌آورد و مقصود از منزلت، خلیفه بودن علی (علیه السلام) در قوم

پیامبر(ص) بیان می‌کند. در شرح حدیث «انت منی کیوشع بن نون من موسی» منظور پیامبر(ص) را در مقام وصایت و خلافت علی(علیه‌السلام) می‌داند(ر.ک؛ بستی، ۱۴۲۱: ۲۵).

س: حاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه بیهقی جسمی (۴۱۳-۴۹۴)

ابوسعید امامت را امر مهمی بعد از نبی اکرم(ص) می‌داند. (جلی، المراتب، ص: ۲۵). که در مورد ان اختلاف بین صحابه و اهل بیت پیش آمد و به ناچار باید یا صحابه یا اهل بیت را انتخاب کرد ولیکن در مورد فضیلت‌های اهل بیت اخبار و آثاری است مانند «عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ» یا «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» و «هُوَ أَحَبُّي وَ وَصِيِّي» و او معتقد است آنچه درباره فضیلت‌های اصحاب آمده‌است مانند مجاهدت‌های آنها و رضایت خداوند از آنها دلیل نمی‌شود که با کنار گذاشتن علی(علیه‌السلام) توسط آنان بر علیه آنان خروج نکرد(ر.ک؛ بیهقی: ۱۴۱۴: ۱۱۷)

۶. وصایت از دیدگاه اسماعیلیه

اسماعیلیه نیز مانند زیدیه وصایت را اصلی جدا از امامت به کار بردند و مقام وصایت را مختص علی(علیه‌السلام) برشمردند و پس از وصی مقام امامان شروع می‌شود و از نظر اسماعیلیه از امام حسن به بعد از مقام وصایت برخوردار نیستند. دانشمندان اسماعیلی در کنار مقام نبوت و امامت برای وصایت هم بحث جداگانه‌ای دارند(ر.ک؛ سجستانی: بی تا: ۱۵۳). بنابراین اسماعیلیه نام علی(علیه‌السلام) در شمارش امامان خود ذکر نمی‌کنند و او را فقط وصی و بالاتر از سایر امامان می‌دانند(ر.ک؛ تامر: بی تا: ۱۵۱) و حسن بن علی(علیه‌السلام) را به عنوان امام اول خود قبول دارند(ر.ک؛ کرمانی: بی تا: ۹۴). وصایت را امری می‌دانند که قابل انقطاع است و امام ادامه دارد (ر.ک؛ الولید: بی تا: ۶۸).

یکی از باورهای اسماعیلیه این است که پیامبر اسلام (ص) بعد از خود برای جامعه اسلام رهبر انتخاب کرده‌است که برای آن ادله‌ای اقامه می‌کنند و ادله‌ای که بیان می‌کنند اشتراکات زیدی با امامیه و زیدیه دارد که به اختصار ادله را برمی‌شماریم

الف. وجوب وصیت: در آیه ۱۸۰ سوره بقره ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ نشان می‌دهد وصیت امر واجب در امور عادی و دینی می‌باشد و در سوره دیگری وجوب وصیت در امور دینی را روشن

می کند ﴿وَوَصَّىٰ بِهٖ اِبْرٰهٖمُ بَنِيهٖ وَ يٰعُقُوْبُ يٰاَبْنٰى اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمْ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُوْنَ﴾ (بقره/ ۱۳۲).

ب. وصی داشتن تمام انبیاء گذشته که از بین بستگان یا فرزندان خود بوده.
ج. سفارش‌های پیامبر (ص) در امور کوچک و بزرگ قطعاً در این امر مهم که تعیین وصی برای خود بوده‌است هم وصیت داشته‌اند.
د. سیره پیامبر اکرم (ص) این بوده‌است که در صورت فرستادن گروه یا لشکری به جای دیگر، به آنان سفارش می‌نمود که چنانچه فرمانده کشته شود، فلان کس فرمانده است و پس از وی فلان شخص دیگر جانشین وی خواهد بود؛ به همین جهت وی امر تعیین وصی خود را مهمل نگذاشته‌است (همان).

هم چنین اسماعیلیان پس از بیان اینکه پیامبر، بدون معرفی وصی از دنیا نرفته‌است، ادله‌ای بیان می‌کنند که ثابت کنند جانشین معرفی شده، علی (ع) بوده‌است که در ذیل به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت:

الف: پیامبر (ص) علی (ع) را در بین امت خود مانند هارون قرار داد و برتر از همه اهل بیت معرفی نمود، در هیچ زمانی هیچ فردی را بر او ولایت نداد و وی را ولی همه اصحاب و پیروان خود قرار داد که همه این امور دلیل بر این است که علی (ع) شایسته‌ترین فرد برای رسیدن به مقام وصایت بوده‌است.

ب: وقتی پیامبر (ص) خویشاوندان خود را دعوت کرده بود، بعد از عرضه اسلام و طلب یاری از آنان، جز علی (ع)، هیچ کدام این امر را نپذیرفتند و پیامبر فرمود: «ای علی، تو برادر، وزیر، کمک‌کننده و جانشین من هستی». به همین جهت فقط علی (ع) شایستگی جانشین شدن پیامبر را داشته‌است. (همان).

بنابراین در عقاید اسماعیلیه، وصی رتبه‌ای بین نبی و امام داشته و دارای مقامی بس والاست، چنانچه درباره این اعتقاد آمده‌است (وصی بعد از نبی برترین شخص عالم است و ذات وی همان ذات و کنه وجود پیامبر (ص) است و کمال او نشأت گرفته از کمال پیامبر (ص)؛ هرچه از معانی کلمات و اسرار شریعت و امت نزد پیامبر (ص) است نزد وی نیز یافت می‌شود؛ وصی دلیل و برهان است بر اهداف پیامبر (ص) و روشن‌کننده فرمایشات و افعال ایشان و کسی است که تمام قداست‌ها برای هدایت افرادی که بعد از پیامبر (ص) دنبال معرفت نسبت به چیزی که پیامبر آورد هستند؛ وصی شریعت او را از اختلافات و اندیشه‌های

مختلف حفظ می‌کند، وصی دارای این اوصاف است و کسی نمی‌تواند در حفظ تکالیفی که پیامبر (ص) از خداوند گرفت جای او باشد (ر.ک؛ الولید، بی‌تا: ۶۵). از عبارت بالا به دست می‌آید که وصی بعد از نبی برتر از همه و تنها مجرای ورود به شریعت نبی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر وصی از دیدگاه شیعه با توجه به مذاهب، امامیه، زیدیه، اسماعیلیه مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه حاکی از آن بود که هر سه مذهب در این موضوع که حضرت علی (ع) وصی و جانشین بلافصل پیامبر (ص) است اعتقاد راسخ دارند و بر روایات و آیاتی در موضوع وصایت تأکید دارند اکثراً مورد اتفاق سه مذهب است. با این تفاوت که امامیه وصی را بر دوازده تن از ائمه اطلاق می‌کند و این نتیجه حاصل می‌شود که وصی و امام یکی بوده و همان گونه که پیامبر اکرم (ص) حضرت علی (ع) را به عنوان وصی معرفی نمودند در مورد سایر ائمه نیز چنین امری صادق است و روایات به جای مانده از پیامبر (ص) و آیات قرآن نشان از آن دارد که وصی شامل حضرت علی (ع) و یازده تن از فرزندان وی است، بنابراین وقتی امامیه از لفظ امام استفاده می‌کند، همان معنی وصی دارد. به همین جهت در طول حیات ائمه، اقداماتی توسط خود آنان و پیروانشان صورت گرفت و هر کدام از آنان ضمن تأکید بر وصی بودن خود، جانشین بعدی نیز معرفی می‌نمودند. اما زیدیه و اسماعیلیه وصایت را اصلی جدا از امامت به کار بردند و مقام وصایت را مختص علی (ع) برشمردند و پس از وصی مقام امامان شروع می‌شود و در نظر زیدیه از امام سجاد (ع) و از نظر اسماعیلیه از امام حسن به بعد از مقام وصایت برخوردار نیستند.

به طور کلی و در یک نتیجه‌گیری کلی باید گفت، هر چند این تمایزات و بررسی آنها مهم است، اما آنچه در بحث وصایت از اهمیت اساسی برخوردار است، اصل وصی و تعیین جانشین توسط پیامبر (ص) است که مورد توافق تمامی مذاهب شیعه است و این نشان می‌دهد که مسلمانان باید بدون تعصب و دیدی باز به بررسی این موضوع بپردازند، و این همه آیات و روایاتی که شیعه بر آنان تأکید دارد را نادیده نگیرند، زیرا در صورت حل شدن این مسئله، چه بسا ریشه بسیاری از مشکلاتی که امروزه دامن‌گیر جوامع اسلامی شده است برطرف گردد، به همین جهت پژوهش‌گران باید چنین موضوعی را در راس پژوهش‌های خود قرار داده و با ادله محکم و بدون تعصب در روشن نمودن این حقیقت تاریخی تلاش نمایند.

تعارض منافع تعارض منافع ندارم.

ORCID

Tayebeh Qasemi



<http://orcid.org/0000-0002-8692-0478>

Seyed Mohammad Hoseini



<http://orcid.org/0000-0003-3710-1510>

منابع

- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). *جمهره اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن بابویه، (شیخ صدوق). محمد بن علی. (۱۳۸۲). *کمال الدین و تمام النعمه*. قم: جمکران.
- ابن عقده، ابوالعباس. (۱۴۲۱). *فضائل امیرالمومنین*. تحقیق؛ عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین. قم: دلیل.
- _____ (۱۴۲۱). *حدیث الولایه*. تحقیق؛ عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین. قم: دلیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۲۶ق). *لسان العرب*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابو مخنف لوط بن یحیی. (۱۴۳۳). *وقعة الطف*. بیروت: مجمع جهانی اهل بیت..
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). *کشف الغمّه فی معرفه الائمه*. تبریز: بنی هاشم.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۰). *المقالات والفرق*. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصفهانى، ابوالفرج. (۱۹۶۵). *مقاتل الطالبین*. نجف: حیدریه.
- بستی، اسماعیل بن احمد. (۱۴۲۱). *المراتب*. تحقیق؛ محمدرضا انصاری قمی. قم: دلیل.
- بغدادی، عبدالقاهر. (۱۴۰۸). *الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناحیه متهم*. بیروت: دارالجلیل.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۹۸). *أنساب الأشراف*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- تامر عارف. (بی تا). *الامامه فی الاسلام*. بیروت: دار الاضواء.
- تهانوی، محمد علی بن علی. (۱۹۹۶ق). *کشاف اصطلاحات الفنون*. متحقیق؛ علی دحروج. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۷۰). *الغارات*. تحقیق؛ سید عبد الزهرا الحسینی الخطیب. تهران: دارالکتاب الاسلامی.
- جشمی بیهقی، محسن بن محمد. (۱۴۱۴). *رساله ابلیس علی اخوانه المناحیس*. تحقیق؛ حسین مدرس طباطبائی.

- حسنى، ابراهيم بن محمد. (١٤٢٢). *المصاييح فى سيره الرسول وآل البيت*. تحقيق؛ عبدالله بن عبدالله بن احمد حوثى. عمان: مؤسسة الإمام زيد بن على الثقافيه.
- حلى، حسن بن يوسف. (١٤١٤). *تذكرة الفقهاء*. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث. خويى، ابوالقاسم. (١٣٩٠). *معجم الرجال الحديث*. قم: مركز نشر القافه الاسلاميه العالم.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد. *مفردات ألفاظ القرآن*. بيروت. دار القلم. اول. ١٤١٢ ق.
- راوندى، قطب الدين. (١٤٠٩). *الخرائج والخرائج*. قم. مؤسسة الامام مهدي.
- رسى، قاسم بن ابراهيم. (١٤٢٢). *مجموعه كتب ورسائل الامام القاسم بن ابراهيم الرسى*. تحقيق؛ عبدالكريم احمد جدبان. صنعاء. دارالحكمه اليمانيه للتجاره والتوكيلات العامه.
- _____ . (١٤٢٣). *الكامل المنير فى اثبات ولايه اميرالمؤمنين على بن ابى طالب والرد على الخوارج*. تحقيق؛ عبدالولى يحيى الهادى. بيروت: بى نا.
- زيد بن على. (١٤٢٢). *مجموع حديثى وفقهى (مسند امام زيد)*. عمان: مؤسسة الامام زيد بن على الثقافيه.
- _____ . (١٤٢٢). *مجموع كتب ورسائل امام زيد بن على*. صنعاء: دارالحكمه يمانيه للتجاره والتوكيلات العامه.
- سجستاني، ابو يعقوب اسحاق بن احمد. (بى تا). *خمسة رسائل اسماعيليه*. سوريه: منشورات دار الانصاف.
- شهرستانى، محمد بن عبدالكريم. (١٣٨٧). *الملل والنحل*. مصر: شركة مكتبيه و مطبعه البابى و اولاده.
- طبرى، احمد بن موسى. (١٤٢١). *المنير على مذهب الامام هادى الى الحق يحيى بن الحسين*. صعده: مركز اهل بيت للدراسات الاسلاميه.
- طوسى، محمد بن حسن (بى تا). *رجال الكشى (اختيار معرفه الرجال)*. مشهد: دانشگاه مشهد.
- كرمانى، حميد الدين. (بى تا). *الرساله الوضيه فى معالم الدين واصوله*. تحقيق؛ محمد عيسى الحريرى. كويت: دارالقلم .
- كلينى، محمد بن يعقوب. (١٣٦٢). *اصول كافى*. تهران. اسلاميه.
- محقق حلى، حسن بن سعيد. (١٤٠٨ق). *شرائع الاحكام فى مسائل الحلال والحرام*. قم: موسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
- مرضى لدين الله، محمد بن يحيى. (١٤٢١). *الاصول*. تحقيق؛ عبدالله بن حمود عزى. امان: مؤسسة الامام زيد بن على الثقافيه.
- _____ . (١٤٢٣). *مجموع كتب ورسائل امام مرتضى محمد بن يحيى الهادى*. تحقيق؛ عبد الكريم احمد جدبان. صعده: التراث الاسلامى.

- مسعودی. ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۵۸). *مروج الذهب ومعادن الجواهر*. بیروت: دارالاندلس.
- _____ . (۱۴۲۶). *إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب*. قم: انصاریان.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۷۵). *فرهنگ و فرق اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش های اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ . *الافصاح فی الامامه علی بن ابی طالب (علیه السلام)*. قم: المؤتمر العالمی لأئمة (کنگره جهانی هزاره شیخ مفید). اول. ۱۴۱۳ق.
- _____ . (۱۴۱۳). *الفصول المختاره*. قم: مکتبه الداوری.
- _____ . (۱۳۸۸). *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*. ترجمه. سجاد واعظی. تهران: آذینه گل مهر.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول). (۱۴۱۴). *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*. قم: دار الفکر.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۹۷). *جواهر الکلام فی شرائع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۸۸). *فرق شیعه*. ترجمه. محمد جواد مشکور. تهران: شرکت انتشارات علمی-فرهنگی.
- الولید، علی بن محمد. (بی تا). *تاج العقائد و معدن الفوائد*. تحقیق؛ عارف تامر. بیروت. موسسه عزالدین .
- هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*. قم: هادی.
- یعقوبی، احمد بن محمد بن واضح. (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: دارالصادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: قاسمی، طیبه، حسینی، سید محمد. (۱۳۹۹). واکاوی مسئله وصایت در اندیشه شیعیان (امامیه، زیدیه، اسماعیلیه). *پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه*، ۲ (۳)، ۱۶۹-۱۹۳.



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی